



ابن ندیم ابوالفرج محمد بن ابی‌یعقوب اسحاق

ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب اسحاق بن محمد بن اسحاق، کاتب شناس، فهرست نگار و محقق بغدادی سده ۴/۱۰م و نویسنده اثر معروف [الفهرست](#).

فهرست مندرجات

- ۱ - آگاهی اندک از ابن ندیم
- ۲ - تاریخ ولادت ابن ندیم
- ۳ - تحصیلات و استادان ابن ندیم
- ۴ - آشنایی ابن ندیم با علوم مختلف
- ۵ - مذهب ابن ندیم
- ۵.۱ - گرایش ابن ندیم به معتزله
- ۶ - علاقه شیعه بودن ابن ندیم
- ۷ - قراین حنفی بودن ابن ندیم
- ۸ - زیدی نبودن ابن ندیم
- ۹ - درگذشت ابن ندیم
- ۱۰ - منبع

آگاهی اندک از ابن ندیم

به سبب بی توجهی نویسندگان و تذکره نویسان سده های بعدی نسبت به ابن ندیم، درباره احوال و فعالیت‌های علمی او آگاهی اندکی در دست است. حتی [خطیب بغدادی](#) که تراجم بسیاری از رجال بغداد را در کتب معروف خود، [تاریخ بغداد](#)، آورده، در مورد او سکوت اختیار کرده است. احتمالاً این سکوت از اختلاف نظر خطیب با ابن ندیم در مسائل اعتقادی و مذهبی ناشی می‌گردد. قدیم ترین منبع درباره احوال ابن ندیم گزارش موجز [ابن شهر آشوب](#) در [معالم العلماء](#) است. پس از وی [یاقوت حموی](#) در شرحی حالی مختصر و برگرفته از [الفهرست](#)، به ستایش از ابن ندیم و این اثر او دانش مؤلف را در کتب شناسی و علوم مختلف نشان می‌دهد، پرداخته است.

[ابن نجار](#) تقریباً در همان دوره در احوال ابن ندیم در ذیل تاریخ بغداد مطالبی نگاشته بوده که [ابن حجر عسقلانی](#) بخشی از آن را نقل کرده است. [فقطی](#) با ذکر نام او، تبحرش را در کتب شناسی می‌ستاید. پس از این دوره، ذهبی در تاریخ الاسلام شرح حال مختصری درباره وی آورده و [صفدی](#) هم تنها درباره تاریخ درگذشت ابن ندیم مطالبی افزون بر منابع یاد شده ارائه کرده است.

در میان منابع متأخرتر، علاوه بر حواشی منسوب به □□□□□□□□ در هامش نسخه خطی [الفهرست](#) موجود در کتابخانه چستر بییتی، باید از [لسان المیزان](#) ابن حجر یاد کرد که شامل شرح حال نسبتاً مفصل تری از ابن ندیم بر مبنای گفته های ابن نجار، ذهبی و بررسی انتقادی [الفهرست](#) است.

انتقاد تند از شخصیت ابن ندیم ویژگی کار ابن حجر محسوب می‌شود. بررسی این مأخذ نشان می‌دهد که اطلاعات آنها درباره ابن ندیم، بیشتر برگرفته از [الفهرست](#) و گاه مشتمل بر برخی اطلاعات نادرست و مغرضانه است.

به هر روی با توجه به فقدان منابع، باید برای تشریح زندگی و فعالیت‌های علمی ابن ندیم، از اثر او کمک گرفت و در استنتاج جانب احتیاط را نگاه داشت. درباره خاستگاه ابن ندیم نمی‌توان به قطع سخن گفت، اما باتوجه به اینکه وی در نسبت یا وابستگی خود به قبیله ای از قبایل عرب در [الفهرست](#) مطالبی نیاورده، می‌توان گفت که احتمالاً عرب نبوده است. همچنین شواهدی چون نپرداختن ابن ندیم به ادیان ایرانی در بخش مربوط به مذاهب و ادیان [الفهرست](#) و نیز مطالبی که در صفحات ۲۳۹-۲۴۰ آن آورده است، می‌تواند احتمال ایرانی نبودن وی را تقویت کند. از سوی دیگر، علاقه ابن ندیم به علوم اوائل و دوستی وی با عالمان مسیحی بغداد و شناخت در خور ستایش او از وضعیتین النهرین پیش از اسلام، شاید بتواند شواهدی برای انتساب او به اقوامی باشد که قبل از ظهور اسلام در بین النهرین ساکن بودند، چنانکه نام پدر و نیایش - اسحاق - و کنیه های خود او و پدرش - ابوالفرج و ابویعقوب - به این احتمال قوت می‌بخشد.

گرچه در سرآغاز نسخه چستر بییتی به جای «ابن الندیم» از وی با عنوان «الندیم» نام برده شده است، اما باتوجه به اینکه در خود [الفهرست](#) همواره از وی با عنوان «محمد بن اسحاق الندیم» یاد می‌شود و همچنین منابع رجالی و تاریخی غالباً نام او را به همین صورت یا به صورت «ابن الندیم» ضبط کرده اند، می‌توان گفت که «ندیم» لقب پدر او بوده است، اما وجه تسمیه دانسته نیست. از موطن ابن ندیم نیز اطلاعی در دست نیست، تنها می‌دانیم که در بغداد می‌زیسته و مدتی در موصل اقامت داشته است.

تاریخ ولادت ابن ندیم

در مورد تاریخ تولد ابن ندیم گزارشی که خود او در [الفهرست](#) درباره ملاقاتش با فقیه خارجی، [ابوبکر بردعی](#) در ۳۴۰ ق به دست داده، تا حدودی راهگشاست. با توجه به اطلاعاتی که ابن ندیم از آثار و عقاید بردعی در این دیدار گردآوری کرده، می‌توان دریافت که وی در زمان ملاقت، از بلوغ علمی برخوردار بوده است. دیدار ابن ندیم از کتابخانه علی بن احمد عمرانی نیز در این باره قابل تأمل است. در مورد شغل ابن ندیم، گرچه [یاقوت](#) احتمال داده که او وراق بوده است و برخی منابع دیگر ظاهراً او را به عنوان وراق می‌شناسند، اما

در خود کتب الفهرست در این باره ناهمگونی به چشم می‌خورد: در بسیاری از موارد می‌توان «وراق» را مربوط به پدر و در برخی از موارد مربوط به خود این ندیم دانست. به هر روی دلیل استواری بر وراق بودن این ندیم در دست نیست، هر چند برخی از خاورشناسان، چون داج و کرم احتمال داده‌اند که پدر و فرزند هر دو وراق بوده باشند. با اینهمه این ندیم با فن وراقی آشنا بوده است، چنانکه بخشی از کتب الاوصاف و التشیبیهت وی به کتابت و انوات آن اختصاص داشته است. ظاهراً اطلاعات او را در این زمینه باید مأخوذ از پدرش دانست.

تحصیلات و استادان ابن ندیم

در مورد تحصیلات و استادان ابن ندیم نیز اطلاعات اندکی در دست است، زیرا بعید نیست مشایخی که ابن ندیم سخنانشان را بدون واسطه در الفهرست نقل کرده، در واقع استاد وی نباشند و وی، تنها برای تکمیل کتب خود از گفته‌های آنان بهره برده باشد. در میان این مشایخ می‌توان از **سری بن احمد کننی**، **ابوعلی بن سوار کاتب**، ابوالحسن علی بن هارون بن علی بن هارون بن علی بن جیبی از آل منجم، **ابوالفتح ابن نحوی**، **ابودلف ینبوعی**، **ابوالخیر ابن خمار** و مهم‌تر از همه **ابوسعید سیرافی**، **ابوسلیمان منطقی سجستانی**، **ابوالفرج اصفهانی**، **ابوعبدالله مرزبانی** و احتمالاً **یحیی بن عدی** نام برد. ابن حجر نیز در میان مشایخ وی اسماعیل صفار، از محدثان مشهور بغداد را نام برده که مأخذ آن دانسته نیست.

آشنایی ابن ندیم با علوم مختلف

با دقت در الفهرست می‌توان استنباط کرد که ابن ندیم با علوم مختلف آشنایی نسبی داشته و احتمالاً در برخی زمینه‌ها صاحب نظر بوده است. از آن جمله است: **ادبیات عرب** و علوم اوائل، به ویژه **فلسفه** و **تاریخ فلسفه**. در واقع اگر او نزد **ابوسلیمان سجستانی** فلسفه خوانده باشد، باید برای او در این علم مقلمی بلند فرض نمود. با این وصف نباید در مورد دانش ابن ندیم مبالغه کرد، زیرا الفهرست بیشتر به مثابه دانشنامه‌ای است که به جای بحث و بررسی عمیق در علوم مختلف، به ذکر فهرست آثار پرداخته است، به ویژه اینکه بسیاری از مطالب کتب منکور را نقل قول دیگران تشکیل می‌دهد. از خصوصیات ابن ندیم که با مطالعه الفهرست می‌توان به آنها پی برد، از آداندیشی و تسامح، دقت به ضبط نوق سلیم و ابتکار در مسائل علمی است که از مصاحبتش با کسانی چون ابوسلیمان سجستانی و مشرب معتزلی و خردگرایان و نیز از مطالعاتش در بلب ادیان و مذاهب، نشأت می‌گیرد.

مذهب ابن ندیم

اختلاف نظری که در مورد مذهب ابن ندیم دیده می‌شود، از تشتت و گوناگونی آراء وی در الفهرست ریشه می‌گیرد. با توجه به تسامح وی می‌توان محملی برای گفته‌های به ظاهر متناقض او و راهی جهت روشن تر شدن گزارشهایی، به ویژه در بخش فقه و کلام، ارائه نمود.

← گرایش ابن ندیم به معتزله

قرائن موجود در الفهرست بر میل او به اعتزال دلالت دارد. از آن جمله است:

نقل اظهارات معتزله در باب **پیامبر (ص)** به عنوان سرچشمه اندیشه اعتزال؛

ذکر و مدح **ابن ابی دواد معتزلی** که از مؤلفان نبود، تنها به دلیل دفاعش از اعتزال و معتزله؛

تقسیم معتزله به ۲ گروه «مخلص» و «بدعت گذار»؛

اطلاق عنوان «اهل العدل و التوحید» بر معتزله و در مقابل، «حشویم» بر اهل سنت؛

ذکر **ابوالحسن اشعری** در بخش متکلمان «**مجبره**» و «**حشویه**».

گرچه از عبارتی که سبکی درباره ابن ندیم آورده است، چنین بر می‌آید که آشنایی وی با علم کلام چندان عمیق نبوده است، ولی مسلم است که او در بلب اعتزال و معتزله اطلاعات کافی داشته است.

علامه شیعه بودن ابن ندیم

نظر به اینکه او از برخی امامان شیعه و فرزندانشان با جمله «علیه السلام» یاد کرده و **اهل بیت پیامبر (ص)** را همچون فردی شیعی می‌ستاید و برای **شیخین**، دیگر خلفا و کسانی چون **طلحه**، **زبیر** و **عایشه** تعبیر «رضی الله عنه» را به کار نمی‌برد، می‌توان گفت که شیعی مذهب بوده است. باید افزود که از عبارت «ترضیهم» که در برخی موارد در کتب الفهرست چایی برای عمر بن خطاب و دیگران دیده می‌شود، در نسخه‌های اصلی آن اثری نیست، از این رو می‌توان دریافت که این تعبیر توسط ناسخان اضافه شده است. قرائن دیگری نیز وجود دارد که می‌تواند بر تشیع وی دلالت کند: ذکر تعبیر «خاصم» برای شیعیان و «علمه» برای اهل سنت؛ نقل روایتی از اوقتی مبنی بر آنکه **علی (ع)** **معجزه پیامبر** بوده است؛ حسن المذهب خواندن **اوقتی** که خود، او را شیعی می‌داند؛ ستایش از **هشام بن حکم** که به امامت **امام صادق (ع)** گروید، با این همه با دقت در روش ابن ندیم در الفهرست و نیز اطلاعات نسبتاً محدود و گاه مغلوط وی از تشیع و تعبیرش نسبت به شیخ مفید که گفته است: «او را دیدم و بسیار دانشمند یافتم»، می‌توان چنین استنباط کرد که ابن ندیم، گرچه شیعی مذهب و از لحاظ فکری، معتزلی بوده است، از جهت فقهی ارتباط زیادی با جامعه امامیه بغداد نداشته باشد.

قراین حنفی بودن ابن ندیم

با دقت در بخش مربوط به ابوحنیفه در الفهرست می‌توان چنین استنباط کرد که ابن ندیم به او و **مذهب حنفی** هم علاقه داشته است، چه در شرح حل ابوحنیفه وی را مدح بلیغی کرده است. در جای دیگر مناظره معروف میان ابوحنیفه و مؤمن الطارق را که ناظر بر قبح ابوحنیفه بود، ظاهراً به گونه‌ای تحریف شده نقل کرده است. شاید علاقه ابن ندیم به **ابوحنیفه** متأثر از عقاید استادش **ابوسعید سیرافی** (هم) در این بلب بوده باشد. به هر روی کسی چون ابن ندیم با گرایشهای معتزلی و اندیشه‌خردگرای و فلسفی خود، نمی‌توانست با ابوحنیفه بیگانه باشد، چنانکه فلاسفه‌ای چون **ابوالحسن عامری** (هم) نیز به ابوحنیفه و فقه او گرایش داشتند.

زیدی نبودن ابن ندیم

این ندیم را با همه گرایشهای شیعی، معتزلی و حنفی نمی توان زیدی دانست، چنانکه عبارت وی «و زعم بعض الزیدیه؛ بعضی از گروه زیدیه گمان کرده اند» و نیز دیدگاه او درباره انمه (ع) می تواند مؤید این نظر باشد. رجال نویسان اهل سنت نیز همواره بر گرایش این ندیم به تشیع و اعتزال تصریح و گاه از او به سختی انتقاد کرده اند. اما علمای امامیه نیز چون [شیخ طوسی](#) و [نجاشی](#)، با اینکه از فهرست بهره گرفته اند، شاید به سبب آنچه در بلب مذهب این ندیم گفته شد، او را از جمله رجال امامیه محسوب نداشته اند.

درگذشت این ندیم

زمان درگذشت این ندیم محل اختلاف است. [صفدی](#) آن را ۳۸۰ق نوشته و [مقریزی](#) «چهارشنبه ۲۰ شعبان ۳۸۰» در بغداد ضبط کرده است. همچنین بر مبنای سخن ابن نجار در یک جا درگذشت این ندیم «چهارشنبه ۲۰ شعبان ۳۸۵» و در جای دیگر «شعبان سنه ثمان و ثلاثین» آمده است. برخی از معاصران باتوجه به تاریخ اخیر، زمان مرگ او را اوایل سده ۵ق نوشته اند. در مورد اول ظاهراً تصحیفی رخ داده و دومی با توجه به آنچه در مورد زمان تولد این ندیم ذکر شد، بعید به نظر می رسد. گفتنی است که تاریخهای بعد از ۳۸۰ق که در فهرست دیده می شود، به گمان قریب به یقین از اضافات ناسخان است، خاصه اینکه مؤلف خود در کتابش از خوانندگان خواسته است که در تکمیل اثر او بکوشند.

منبع

[دایره المعارف اسلامی ظهور](#)

رده‌های این صفحه: [تراجم](#) | [درگذشتگان سده 4 \(قمری\)](#) | [علمای اهل سنت](#) | [علمای قرن چهارم](#)